

# تحلیل پیامدهای اجتماعی ناشی از حضور اتباع افغانستانی در استان تهران (مطالعه

موردی شهرستان پیشوا)

مراد راهداری<sup>۱</sup>، بیتا رضایی دولت آباد<sup>۲</sup>

صفحه ۲۸-۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۴/۱۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۶/۱۱

## چکیده

**زمینه و هدف:** حضور اتباع دیگر کشورها، بخصوص اتباع جوامع مسلمان و همسایه، به دلیل تشابه فرهنگی و مذهبی می‌تواند همزیستی حسنه داشته باشد. هدف از این تحقیق تعیین فرصت‌ها و تهدیدهای اجتماعی ناشی از حضور اتباع افغانستانی در شهر پیشوا تهران است که به منظور حسن سیاستگذاری دستگاه‌های اجرائی در حوزه اجتماعی انجام شده است که بتواند برای سایر مناطق مشابه در کشور قابل تعمیم باشد.

**مبنای نظری:** در نظریه معروف به جذب و دفع<sup>۳</sup> که هربل<sup>۴</sup> مطرح کرده است، (هربل، ۱۹۳۸، صص ۹۳۲-۹۵۰)؛ مهاجرت ناشی از عوامل دافعه در وطن و مبداء از یکسو و عوامل جذب کننده در مقصد از سوی دیگر می‌باشد. در این میان، طبق نظریه انطباق (بری، ۲۰۰۸، گاوروانی، وان آرسدول، هی‌یر و اشیرمن، ۱۹۹۱) وضعیت انطباق پذیری یا ناپذیری مهاجرین با جامعه میزبان بررسی شده است. در این مطالعه بر این پایه در صدد بوده ایم تا دریابیم آیا جامعه مهاجر با جامعه مقصد، انطباق پذیری داشته است یا خیر؟ سپس آثار هر حالت بر مبنای آن کشف و تحلیل شود و راه کارهای لازم در جهت سازگاری تشریح گردد.

**روش:** در این تحقیق از روش‌های کتابخانه‌ای، میدانی، تحلیل پرسشنامه، آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. سؤالات پرسشنامه به روش معادلات ساختاری برای دو گروه ایرانی و اتباع مورد بررسی قرار گرفته است. برای این کار از نرم‌افزار AMOS استفاده و سپس مقدار CVR محاسبه شد.

**یافته‌ها:** یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که جمع قابل توجه و نزدیک به اکثریت جامعه میزبان به این قائل هستند که اهالی افغانستان (جامعه مهمان) تأثیر منفی اجتماعی و فرهنگی در محل و منطقه زندگی‌شان نداشته‌اند. جمعیت قاطع ایرانی‌ها تأیید کرده‌اند که اختلاف رفتاری چندانی و غیر

<sup>۱</sup> استادیار دانشگاه پیام نور، دانشکده اقتصاد و مدیریت، گروه اقتصاد، ایران، تهران

<sup>۲</sup> کارشناس ارشد دانشگاه پیام نور، ایران، تهران

<sup>۳</sup> Pull and push Theory

<sup>۴</sup> Herbele

قابل جمعی با جامعه افغانستانی در ایران ندارند و استعداد همگرایی وجود دارد. آمار بزهکاری در جامعه مهمان در مقایسه با بزهکاری جامعه میزبان بسیار کمتر است. حسن رفتارهای پرنگ و رضایت بخشی نیز از آنها ساطع گردیده است. به عنوان آمار شهدای مدافعین حرم در دهه اخیر می باشد. نتیجه گیری: این تحقیق نشان می دهد که اکثر مهاجرین افغانستانی در ایران قشر زحمت کش، معتمد و مثرثمر در جامعه میزبان بوده اند. این تحقیق ثابت کرده است که حضور اتباع افغانستانی آمار بزهکاری را بیش از سطح مورد انتظار بالا نبرده است و شاخص آن از جامعه ایرانی کمتر است، اما ذهنیت اغلب مردم خلاف آن را بازگو می کند.

**کلید واژه ها:** اتباع افغانستانی، مهاجرت، پیامد اجتماعی، هنجارها، استان تهران، پیشوا.

## مقدمه

مهاجرت نوعی رفتار آگاهانه است که می‌تواند به انگیزه‌های مختلف از جمله یافتن کار، ادامه تحصیل و برخورداری از رفاه یا گریز از جنگ و ناامنی انجام شود. پدیده مهاجرت مردم افغانستان به کشورهای همسایه، به ویژه ایران، یکی از شکل‌های مهاجرت بین‌المللی است که در ده‌های اخیر روند صعودی داشته است. این نوع از مهاجرت از نظر عوامل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی متعدد قابل توجه است (جمشیدی‌ها و عنبری، ۱۳۸۳، ص ۱۵).

مهاجرت به خودی خود نه تنها یک مشکل اجتماعی نیست بلکه حتی می‌تواند راه حلی برای بحران‌های جمعیتی محسوب شود. مهاجرت می‌تواند اضافه جمعیت را از نقطه‌ایی به خارج از آن هدایت کند، نیروی کار اضافی و بیکار را به سرزمین‌های نیازمند سوق بدهد، عدم تعادل‌های ساختاری جمعیت را مرتفع کند، از طریق جذب قسمتی از دستمزد کارگران شاغل در خارج، در ایجاد تعادل ارزی موثر افتد و موجبات جذب سرمایه و انتقال فناوری را به داخل فراهم کند و از این طریق ایجاد و تقویت روحیه جدید تولید، رقابت و بهبود وضع موجود را امکان پذیر سازد (زنجانی، ۱۳۹۱، ص ۱).

در میان مسایل مختلف مربوط به مهاجرت، شناخت افکار عمومی شهروندان نسبت به مهاجران دارای اهمیت است؛ زیرا به مدیران و مجریان کمک می‌کند تا از شیوه تفکر افراد درباره موضوعات مشخص مطلع شده و در صورت نیاز برنامه‌هایی را برای تغییر نگرش آنان طراحی کنند. به دلیل هم‌مرز بودن و تناسب فرهنگی، ایران یکی از مهم‌ترین کشورهای پذیرای مهاجران و پناهندگان افغانی است. با توجه به سابقه طولانی مهاجرت افغانستانی‌ها به ایران و جمعیت قابل توجه آن‌ها، بررسی تغییر در وضعیت افغانستانی‌ها در ایران از اهمیت خاصی برخوردار است (محمودیان، ۱۳۸۶، ص ۳۲). جامعه‌شناسان با توجه به قوت جامعه میزبان و ضعف جامعه میهمان در مجموع و نه به صورت موردی، معتقدند هر چه مهاجران ارتباط بیشتری با جامعه مقصد داشته باشند، وضعیت آن‌ها به جامعه مقصد شبیه‌تر خواهد بود. به صورت موردی ممکن است در زمینه‌ای و در مکان خاصی رفتار مهاجر گام به گام تعمیم یابد و فضای غالب شود. مثلاً در روستا یا شهر کوچکی سبک کشاورزی و کار مهاجر بر سبک میزبان غالب شود و متأثر از آن به روش مهاجرین کار انجام شود (قاسمی، ۱۳۸۹، ص ۵۹).

مهاجرت، بافت جمعیتی طرفین را تغییر می‌دهد. مهاجرت معمولاً موجب رشد جمعیت در جامعه مقصد و کاهش آن در مبدأ می‌شود. مگر آن که جذب و مهاجرپذیری در مبدأ نیز وجود داشته باشد و مقصد نیز مهاجرفرست باشد و برآیند این تغییرات غیر از این را نشان دهد. تغییر در ترکیب جمعیت بر حسب سن، جنس، قومیت و سایر ویژگی‌ها از جمله تغییرات سیاسی و تخصصی در مبدأ و مقصد از آثار دیگر مهاجرت است. همه این تغییرات به حجم و سرعت جریان‌های مهاجرتی و ویژگی مهاجران و عکس‌العمل جامعه مهاجرفرست و مهاجر پذیر وابسته است. مهاجرت می‌تواند تکثرگرایی فرهنگی

و حتی اقتصادی (صنفي) و سياسي را در جامعه مقصد تقويت کند و همچنين راهی برای جابجائی و انتقال هنجارها، ارزش‌ها، و الگوهای رفتاری باشد (زنجانی، ۱۳۹۴، ص ۱۲).

بررسی آثار متقابل جامعه مهاجر افغانستانی در منطقه شرق استان تهران که جمعیتی قابل توجه دارد و از سه میلیون نفر، حدود ششصد هزار نفر را به خود اختصاص داده است، در خور توجه خاص است. رویکرد علمی به این موضوع ایجاب می‌کند که در قالب فکری مدون به این تحقیق پرداخت. لذا رویکرد علمی از نگاه اجتماعی به موضوع مهاجرت بطور خاص شده است. در اینجا آثار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی در زیر مجموعه امور اجتماعی تلقی شده است و منظور از مهاجرت خاص، مهاجرت از یک کشور به کشوری دیگر با ویژگی‌های مشترک در دین، فرهنگ و زبان از یکسو و همسایه بودن از سوی دیگر است که آن را اولاً از مهاجرت‌های درون کشوری جدا می‌کند و در ثانی از مهاجرت‌های از نوع هجرت از جوامع در حال صنعتی شدن به صنعتی شده‌ها تفاوت قائل می‌شود، حتی از هجرت اختیاری به اجباری کشانده است.

آثار مهاجرت اتباع بیگانه به ویژه افغانستانی‌ها از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، و فرهنگی مورد بررسی محققین زیادی قرار گرفته است در این بخش فقط به برخی از تحقیقاتی که آثار اجتماعی مهاجرت افغانستانی‌ها را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده‌اند اشاره می‌شود:

توسلی نائینی، (۱۳۸۴) معتقد است به دلیل تحولات منطقه‌ای و تغییرات حاکمیتی و همبستگی مذهبی و همچنین عدم نظارت دقیق بر مرزهای طولانی کشور، تعداد بیشماری از اتباع کشور همسایه بدون رعایت مقررات وارد کشور شدند. ضمناً بسیاری از این مهاجرین در چارچوب ظاهراً مقررات بین‌الملل و کمسپار عالی پناهندگان این سازمان قرار می‌گیرند، زیرا ایران کنوانسیون ۱۹۵۱ مربوط به وضع پناهندگان و پرتکل ۱۹۶۷ آن را در سال ۱۳۵۵ پذیرفته است، لیکن مشکل در مواردی بروز می‌کند که بسیاری از آنان بدون اطلاع دولت ایران به صورت غیر مجاز وارد کشور شده‌اند و حضور آنان تبعات منفی در رابطه با اجرای قانون ورود و اقامت اتباع و قوانین مرتبط با تابعیت، ازدواج غیر قانونی با زنان ایرانی، اشتغال غیر مجاز و به دنبال عدم استفاده از فرصت‌های قانونی مثل بیمه درمان و به دنبال داشته است.

جمشیدی و علی بابایی (۱۳۹۰) در تحقیقی به این نتیجه رسیده‌اند که جمهوری اسلامی ایران نباید نسبت به بازگشت مهاجرین افغانستانی به کشورشان خصوصاً افرادی که از نظر اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مذهبی ضعیف، بی‌پناه و مستحق کمک محسوب می‌شوند، سیاست تنبیهی و تحمیلی و یا هر دو را اعمال کند. همچنین بر این باور هستند که ایران باید در جهت اعاده آرامش و صلح در افغانستان تلاش کند. علاوه بر آن ایران می‌تواند سیاست اعزام مهاجرین به کشورهای ثالث مهاجرپذیر را نیز دنبال کند، به خصوص برای جوانان افغانستانی تحصیل کرده که امکان داشتن شغل مناسب در ایران برای آن‌ها فراهم نیست.

زرقانی، قنبری و رضوی نژاد (۱۳۹۶) نتیجه گرفته‌اند که سازمان‌های مختلف مربوط به موضوع، مانند وزارت کشور، نیروی انتظامی، مسکن و شهرسازی و سایر، به گونه‌ای برنامه‌ریزی و رفتار کنند تا مهاجران کمتر در معرض ارتکاب جرم، قاچاق و سوءاستفاده اطلاعاتی بیگانگان قرار گیرند. به

تعبیر دیگر وجود بعضی خطاها را ناشی از کم توجهی جامعه میزبان به ضروریات زندگی جامعه مهاجر می‌پندارند. همچنین تغییر بافت کالبدی شهرها و روستاها از نظر حاشیه‌نشینی، بعلاوه ازدواج‌های غیر قانونی و تغییر هرم سنی جمعیت دقت شود تا تحت تأثیر نابسامانی سیاستگذاری ما و موجب نابهنجاری قرار نگیرد.

برخی از مطالعات دیگر در مورد بررسی آثار اجتماعی مهاجران افغانستانی در ایران به طور فشرده به این قرار است:

بداغی (۱۳۸۳) تبعات ازدواج اتباع و تابعیت زن ایران؛ جمشیدی‌ها و عنبری (۱۳۸۳) تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی؛ محمودیان (۱۳۸۴) مهاجرت افغان‌ها به ایران: تغییر در ویژگی‌های اقتصادی اجتماعی و جمعیتی و انطباق با جامعه مقصد؛ شاطریان و گنجی پور (۱۳۸۹) بررسی تاثیر مهاجرت افغان‌ها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان؛ وثوقی و محسنی (۱۳۹۵) بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد؛ اخلاص پور (۱۳۹۵) آسیب‌شناسی حضور اتباع بیگانه در استان کرمان و تأثیرات آن بر امنیت؛ سجادی‌پور و جمالی سوسفی، ابراهیم (۱۳۹۵) زنان افغان مهاجر و چالش‌های بازگشت به وطن (مطالعه موردی: زنان مهاجر افغان ساکن شهر مشهد)؛ اعظم‌آزاده و مظفری (۱۳۹۶) طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی (عراقی - افغانی) و عوامل مؤثر بر آن.

تقریباً در قریب به اتفاق این تحقیقات از روش میدانی و تحلیل پرسشنامه در جهت رسیدن به اهداف تحقیق استفاده شده است. هیچ یک از پژوهش‌های مورد ملاحظه قرار گرفته، در حوزه موضوعی و مکانی این نیست. صرفاً به دلیل نزدیکی موضوع، به بعضی از موارد اشاره شده است.

### سئوالات اصلی تحقیق:

آیا اتباع (عمدتاً مهاجرین افغانستانی) در استان تهران روند هماهنگ شدن یا سازگار نشدن با جامعه میزبان را طی می‌کنند؟ آیا حضور آنها سبب رشد انحرافات اجتماعی شده است؟ نقش سازنده آنها چگونه است؟

### فرضیه‌ها:

اتباع (عمدتاً مهاجرین افغانستانی) در استان تهران رفتاری هماهنگ و سازگار با جامعه میزبان دارند. حجم انحرافات اجتماعی که از آنها ساطع می‌شود نسبت به جمعیت شان قابل اغماض است و نقش سازنده قابل قبولی دارند.

### مبانی نظری تحقیق

معمولاً جامعه‌شناسان در بررسی تأثیر مهاجرت بر رفتار و وضعیت مهاجران و حتی بر جامعه میزبان، از نظریه چگونگی انطباق بیشتر از سایر نظریات استفاده کرده‌اند. بر طبق آن، همانطور که مهاجران با جامعه مقصد انطباق پیدا می‌کنند، رفتار و وضعیت آن‌ها بیشتر به جامعه میزبان نزدیک‌تر می‌شود. انطباق به معنای فرایندی است که از طریق آن یک فرد یا یک گروه رفتار خود را برای

هماهنگی با محیط اجتماعی، یعنی گروه‌های دیگر یا جامعه کل تنظیم می‌کند. واژه انطباق را در رجاع به راهبردهای اتخاذ شده طی فرایند فرهنگ‌پذیری و نتایج آن به کار می‌برند. رویکرد فکری به پدیده انطباق، تغییر در هر دو گروه مهاجر و میزبان را مد نظر دارد، اما به دلیل توان مسلط گروه میزبان، تغییرات و تأثیرپذیری در گروه مهاجر بیشتر مورد مطالعه قرار می‌گیرد (بری، ۱۹۹۹، ص ۴). برای سنجش انطباق از متغیرهای مختلفی نظیر طول دوره اقامت، میزان برون ازدواجی، میزان تسلط به زبان جامعه مقصد، اندازه انزوا طلبی یا رابطه‌مداری، میزان تشابه رفتارها و ساختارهای شغلی و آموزشی مهاجران با ساختارهای مشابه جامعه مقصد، درجه رضامندی از جامعه مقصد و میزان ارتباط با جامعه مبداء استفاده می‌شود، (گاوریانی، وان آرسدول، هی‌یر و اشیرمن، ۱۹۹۱، ص ۹).

منظور از انطباق‌پذیری<sup>۶</sup> نوعی تغییرپذیری مثبت است، در مورد موضوع این تحقیق، یعنی جمعیت مهاجر بتواند خود را از نظر اشتغال متناسب با نیاز بازار کار مقصد کند<sup>۷</sup> و حتی آداب‌فتر اجتماعی وفق دهد (بری، ۲۰۰۸، ص ۱۸). به همین ترتیب، جامعه میزبان نیز بتواند درک درستی از شرایط مهاجرین داشته باشد، انتظارات خود را با شرایط آن‌ها تطبیق دهد و در تعاملات از خود انعطاف نشان دهد. اگر انطباق‌پذیری نباشد، تعارضات پدید می‌آید، طرد و جدائی مشکل‌آفرین می‌شود و آرامش دو طرف آسیب می‌بیند و فعالان حوزه امنیت نگران اصطکاک از جمله نزاع و درگیری می‌شوند. انطباق و تغییرپذیری، با رفتار عقلانی و اخلاقی همراه است، با تعصب و حفظ وضع موجود سازگار نیست. تحمل دگراندیشی و دگر رفتاری می‌خواهد و نظایر این‌ها، کَذَلِكَمَا أُرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ.<sup>۸</sup> جوامع توسعه نیافته در این زمینه با موانع جدی مواجه هستند. بخصوص اگر دو طرف، یعنی مردم مهاجر و بومی به رشد لازم نرسیده باشند، در آن صورت هر یک به سبک و سیاق زندگی اجتماعی خود اصرار می‌ورزد و نمی‌توان انتظار همزیستی مسالمت آمیز را داشت، به همین دلیل بعضی جوامع نسبت به مهاجرین رفتارهای ناپسند و بعضاً خشن از خود نشان می‌دهند. این وضعیت در حوزه‌های مختلف می‌تواند خود را نشان دهد، مثلاً اگر خانوار جامعه میزبان، برای تعمیرات و ساخت و ساز به نیروی کار مهاجر اعتماد نکند یا به هر دلیل کار نسپارد، اشتغال آن‌ها با بحران مواجه می‌شود. این ناسازگاری<sup>۹</sup>، تبعات زیادی دارد. فرضاً هرگاه مهاجرین نتوانند اشتغال مناسب یابند و نتوانند تنظیم تخصص و کار خود را با نیاز بازار تطبیق دهند، سبب بیکاری یا کم‌اشتغالی می‌شوند و دستگاه‌های تأمین اجتماعی به مفهوم عام آن بیشتر مکلف به پوشش نیازهای ضروری و فقرزدائی می‌شوند. اگر

Berry, ۱۹۹۹. ۵

Adaptability or Associability. ۶

Workload. ۷

۸. زخرف/ ۲۳

nconsistency. ۹

طرفین ضوابط زندگی جمعی را رعایت نکنند، سازوکار ناپهنجاری ناخواسته جاری می‌شود، شدت آن به گستره موضوع مربوط خواهد شد. لذا باید ضوابط زندگی اجتماعی رعایت شود.

مسئله‌ها بیشتر مهاجرین علاقه‌مند هستند در موطن خویش که دارای اموال و ملک هستند زندگی کنند، اما عدم امنیت، آن‌ها را به جاهای دیگر می‌کشاند و پس از مدتی ممکن است وابستگی در مقصد پدید آید، بخصوص برای کسانی که در مبداء شرایط اقتصادی-اجتماعی مناسبی نیز نداشته‌اند. همانطور که اشاره شد، نزدیک به نیمی از نیروی کار کشور افغانستان یا مطلقاً بیکارند و یا به کار محدود و اندکی دسترسی دارند و هر ساله به آن‌ها افزوده می‌شود. متأسفانه اقدام فراگیری در زمینه کارآفرینی و اشتغال زایی در افغانستان صورت نگرفته است، بخصوص در حوزه صنعت، تلاش‌ها بسیار ضعیف است. با توجه به وجود تفرقه و معضلات دیگری مانند دخالت‌های کشورهای دیگر که در حاکمیت افغانستان داشته‌اند، نتوانسته به مسئولیت‌های خود در قبال حمایت از بیجاشدگان داخلی و کمک به آن‌ها موفق عمل کند و به نیازمندی‌های همه بیجاشدگان داخلی پاسخ دهد. کمک‌هایی که به بخشی از بیجاشدگان صورت گرفته نیز محدود بوده است و تنها می‌تواند اقدام حمایتی بسیار آنی و کوتاه مدت به حساب آیند، نه بیشتر؛ به نیازمندی‌های دراز مدت‌تر بیجاشدگان از قبیل تأمین مسکن، دسترسی به آموزش و پرورش، پوشش صحت و حراست از محیط زیست و تأمین امنیت توجه مؤثر صورت نگرفته است.

پس آن چه مهاجرت مردم افغانستان را عمدتاً توجیه می‌کند، وجود خشونت و عدم امنیت، بطور کلی عدم شرایط مطلوب زندگی مانند فراهم نبودن بهداشت و درمان و آموزش‌های سطح بالا، وجود فقر و عدم امکان اشتغال و کسب درآمد در سطح لازم، بعلاوه عدم وجود محیط فرهنگی دلخواه از نظر ایدئولوژی است که مجموعاً دافعه مبداء و جاذبه‌های مقصد با ضریب اهمیت‌های متفاوت، اما مؤثر و تعیین کننده (با توجه به ارزش‌ها و باورها) را سبب شده‌اند. در نظریه معروف به جذب و دفع<sup>۱۰</sup> که توسط هربل تبیین شده است، (هربل، ۱۹۳۸، صص ۹۳۲-۹۵۰)؛ مهاجرت ناشی از عوامل دافعه در وطن یا مبداء از یکسو و عوامل جذب کننده در مقصد از سوی دیگر می‌باشد (موبوگنج، ۱۳۷۲، ص ۱۴۹). در این مطالعه بر این پایه تحقیق صورت گرفته است. مع الوصف از سایر نظریات در همین چارچوب استفاده شده است که در ادامه بطور خلاصه جمع بندی شده است. با نگاه کلی به نظریات مطرح شده در خصوص مهاجرت می‌توان گفت سه دسته جلب توجه می‌کند:

۱) طبق نظریه ذوب یا جذب (بری، ۲۰۰۸، گاوروانی، وان آرسدول، هی‌یر و اشیرمن، ۱۹۹۱)، مهاجرت موجب تغییرات اجتماعی و اقتصادی در مهاجرین می‌شود و معتقد است که در کشور مقصد، مهاجر در نظام ارزشی مسلط تحلیل می‌رود و از طریق تعاملات فراوان با اجزای جامعه مقصد، سازگاری می‌یابد و مشکل‌ساز نخواهد بود. گاهی تداخل یکباره فرهنگی و تبعات آن نیز با جداسازی محل زندگی مهار می‌شود. در این نوع سیاست‌گذاری به کارکردهای مثبت بیشتر از آثار منفی مهاجرت توجه می‌کنند. جوامع مبداء و مقصد نیازهای خود را پوشش می‌دهند و هیچ یک مزاحم نیستند.

(۲) مطابق نظریه تضاد (اشیرکن، ۲۰۰۵)، نگاه منفی بر مثبت غلبه دارد. این نظریه مهاجرت را حاصل ساختارهای نابرابر اجتماعی در نظام بین‌الملل می‌داند که منجر به انتقال سرمایه انسانی و اجتماعی از کشورهای مشکل‌دار به سمت کشورهای با ناهنجاری کمتر می‌شود. در این نوع نگاه کشورهای مبدأ با از دست دادن منابع انسانی کارآمد، ضعیف‌تر می‌شوند و کشورهای مقصد با جذب منابع انسانی توانمند، بیشتر بهبود می‌یابند و پیشرفت می‌کنند.

(۳) از طریق نظریه تلفیق (برجاس، ۲۰۰۲) نگاه بینابین پدید می‌آید. مهاجرت از این دیدگاه علل چندگانه دارد و با توجه به کیفیت توزیع جغرافیائی و اجتماعی مهاجرین، سازگاری یا ناسازگاری آن‌ها با جامعه میزبان تحلیل می‌شود. در واقع بستگی به شرایط و نیاز مبدأ به عنوان جامعه مهاجر فرست، همچنین مقصد به عنوان مهاجرپذیر؛ کیفیت مهاجرت تحلیل می‌شود. در چنین نگاهی، گاهی نتیجه مهاجرت از جایی به جایی مطلوب است و دو جامعه سود می‌جویند و گاهی عکس آن روی می‌دهد. آثار فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در هر دو جامعه قابل بررسی است. مثلاً مهاجرت ترکیب اقشار و صنوف را تغییر می‌دهد. بافت جدیدی حاصل می‌شود. لذا مدیریت آن در هر دو سو حائز اهمیت است.

مهاجرت از یک سو، ضمن آن که می‌تواند موجب رشد و شکوفایی کشورهای مبدأ و مقصد شده و نوع تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مثبت را به وجود می‌آورد و از سوی دیگر، به طور عکس می‌تواند سبب رشد جمعیت، افزایش بیکاری، بروز ناامنی و به طور کلی موجب ایجاد مشکلاتی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می‌شوند، بستگی به مدیریت اجتماعی و شرایط قهری، دو جنبه آثار مثبت و منفی می‌تواند در پی داشته باشد.

نظام‌های اجتماعی طرفین (مهاجر و بومی) که این پدیده (آثار) را به درستی شناسایی و با برنامه‌ریزی‌های منطقی و علمی به صورت از پیش تعیین شده با آن مواجه می‌شوند، به عنوان یک فرصت از آن استفاده می‌کنند؛ اما نظام‌هایی که با این پدیده به طور انفعالی و بدون برنامه‌ریزی درست برخورد می‌کنند، به حیث یک چالش مهم مطرح می‌شوند. بنابراین جابجایی‌های انسانی دارای آثار مثبت و منفی می‌باشد. برای مدیریت بهتر و بررسی پیامدهای آن (فرصت‌ها و چالش‌ها) نیاز به انجام برنامه‌های تحقیقی، سمینارها و کنفرانس‌های علمی بوده و استفاده از تجربیات و آگاهی آنان نیز یکی از نیازهای مهم در این راستا است.

در این پژوهش پس از بررسی عوامل مهاجرت از دیدگاه صاحب نظران، آن نظریات مورد نقد و بررسی قرار گرفت و نظر اصلاحی و جایگزین مطرح شد. لذا می‌توان ادعا کرد، این تحقیق در چارچوب مطالعات نظری، توانسته است که نظریه مهاجرت را اصلاح و تکمیل کند.

## روش تحقیق

در این تحقیق از روش‌های کتابخانه‌ای، میدانی و تحلیل پرسشنامه، آمار توصیفی و استنباطی، استقراء و قیاس منطقی استفاده شده است. سئوالات مهمی در پرسشنامه طراحی و در اختیار دو جامعه مورد اشاره قرار داده شد. گاه به منظور صحت‌یابی، توزیع پرسشنامه تکرار و در مناطق مختلف باز توزیع شده است. تحلیل پرسشنامه به صورت توصیفی و استنباطی (تحلیل عاملی) انجام گرفت. روش استنباطی روش وابسته به رگرسیون این حسن را دارد که به پیش‌بینی شرایط آینده به ما کمک شایان توجه‌ای می‌کند. از طریق آن می‌توان روند آتی را تخمین زد و به سیاستگذاران از قبل اطلاعات لازم را در خصوص شکل‌گیری اوضاع بعدی انعکاس داد.

سؤالات پرسشنامه به روش معادلات ساختاری برای دو گروه ایرانی و اتباع مورد بررسی قرار گرفته است. برای این کار از نرم افزار AMOS استفاده شد. ابتدا سؤالات بر اساس متغیرهایی منطبق با محتوای سؤالات انتخاب شدند، آنگاه در قالب پرسشنامه‌ای در اختیار تعدادی از خبرگان، در اینجا ۱۰ نفر از خبرگان، قرار داده شد و از آن‌ها خواسته شد تا نسبت به هر سؤال بر اساس طیف سه قسمتی «ضروری است»، مفید است ولی «ضرورتی ندارد» و «ضرورتی ندارد» نظر خودشان را اعلام نمایند. سپس مقدار CVR بر اساس فرمول زیر محاسبه شد.

$$CVR = \frac{\frac{\text{تعداد کل متخصصین}}{2} - \text{تعداد متخصصینی که گزینه ضروری را انتخاب کرده اند}}{\frac{\text{تعداد کل متخصصین}}{2}}$$

## یافته‌های تحقیق

## با استفاده از آمار استنباطی

در آمار استنباطی<sup>۱۱</sup> محقق با استفاده از اعداد استخراج شده از جامعه نمونه، آماره‌ها را محاسبه کرده و با کمک تخمین یا آزمون فرضیه آماری، آماره‌های منتج از جامعه نمونه را به کل جامعه تعمیم می‌دهد.

## آزمون مطلوب بودن برازش پرسشنامه جامعه میزبان

شاخص‌های مناسب بودن برازش که در این بخش بررسی می‌شوند، عبارتند از: شاخص‌های GFI و AGFI. شاخص RMSEA، آماره خی‌دو، شاخص NFI و CFI. سطح مرزی این شاخص‌ها به صورت جدول (۱) می‌باشد.

## جدول ۱- شاخص‌های خوبی برازش

مقدار	شاخص
۰/۹۸	GFI
۰/۹۵	AGFI
۰/۰۶	RMSEA
۱۲۳/۵	آماره $\chi^2$ دو
۰/۹۳	NFI
۰/۹۱	CFI

همان طور که ملاحظه می‌شود، مقادیر شاخص‌های GFI و AGFI و NFI و CFI بالاتر از ۰/۹ به دست آمده است. بنابراین این شاخص‌ها برازش قابل قبول مدل را نشان می‌دهد. مقادیر RMSEA برابر ۰/۰۶ است که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشد. مقدار  $\chi^2$  دو نیز برابر ۱۲۳/۵ است که در سطح کوچکتر از  $p < ۰/۰۱$  معنادار می‌باشد. این آماره حاکی از این است که ماتریس واریانس-کوواریانس مشاهده شده و برآورد شده متفاوت هستند. این آماره متأثر از حجم نمونه می‌باشد، اغلب از تفسیر مستقیم این آماره خودداری می‌شود. نسبت این آماره بر درجه آزادی کوچکتر از ۳ است و برازش خوب مدل را نشان می‌دهد. در مجموع تمامی شاخص ذکر شده تناسب مدل را تأیید نموده اند؛ بنابراین مدل ساختاری پژوهش از نظر شاخص‌های برازش مناسب هستند و همه عامل‌های مطرح شده می‌توانند در مدل ساختاری پژوهش حضور و نقش توضیح دهنده‌گی داشته باشند (جدول ۲).

## جدول ۲- معناداری بارهای عاملی

سوال	بار عاملی	سطح معنی‌داری	آماره t
جدول ۳	۱/۰۰	۰/۰۰	۷/۱۸
جدول ۴	۰/۳۳	۰/۰۰	۷/۶۶
جدول ۵	-۱/۳۷	۰/۰۰	۵/۷۶
جدول ۶	۰/۳۷	۰/۰۰	۷/۶۵
جدول ۷	-۱/۱۲	۰/۰۰	۶/۳۷
جدول ۸	-۰/۸۰	۰/۰۰	۷/۲۱
جدول ۹	-۰/۶۷	۰/۰۰	۷/۳۳

همان طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، سطح معناداری در همه سؤالات کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین همه بارهای عاملی در سطح احتمال ۵ درصد (سطح اطمینان ۹۵ درصد) از نظر مبانی آماری معنادار می‌باشند. آماره‌های t برای هر یک از عوامل یا گویه‌ها نیز بیش از حد مرزی یعنی ۲ هستند و در نتیجه تأیید شده‌اند (در منطقه بحرانی قرار نگرفته‌اند). بار عاملی نیز در ذیل هر جدول به نوعی تشریح شده است. در واقع اعداد که به صورت ضریب اهمیت یا نقش در ستون دوم آمده‌اند، نشان

می دهد که عوامل ذکر شده در سوال، در مقایسه با یکدیگر گویای چه سطحی از تأثیر مثبت یا منفی هستند. فرضاً می توان تأثیر چهار و پنج را در مقایسه با سوم به راحتی ملاحظه کرد.

### پرسشنامه میزبان

پرسشنامه‌های مربوط به جامعه میزبان در جدول‌های زیر (جدول‌های ۳ تا ۹) نمایش داده شده است:

جدول ۳- حضور کارگران افغانستانی باعث کاهش فرصت‌های شغلی در این منطقه شده است.

مقادیر / عناوین	فراوانی (تعداد)	به درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالف	۱۶	۱۳/۳	۱۳/۳
مخالف	۵۹	۴۹/۲	۶۲/۵
ممتنع	۱۲	۱۰/۰	۷۲/۵
موافق	۱۳	۱۰/۸	۸۳/۳
کاملاً موافق	۲۰	۱۶/۷	۱۰۰/۰
تعداد کل آرا	۱۲۰	۱۰۰/۰	

مطابق جدول ۳ حدود ۶۳٪ از جامعه کارگری جامعه میزبان معتقدند که جامعه کارگری مهمان برای اشتغال آن‌ها مشکل ایجاد نکرده است. این رأی بطور عجیبی با آرای کارگران افغانستانی یعنی جامعه کارگری مهمان همخوانی دارد.

جدول ۴- حضور فرزندان افغانستانی در مدارس دولتی موجب نارضایتی والدین

ایرانی می‌شود.

مقادیر / عناوین	فراوانی (تعداد)	به درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالف	۱۲	۱۲/۵	۱۲/۵
مخالف	۳۳	۲۷/۵	۴۰/۰
ممتنع	۳۶	۳۰/۰	۷۰/۰
موافق	۱۷	۱۴/۲	۸۴/۲
کاملاً موافق	۱۹	۱۵/۸	۱۰۰/۰
تعداد کل آرا	۱۲۰	۱۰۰/۰	

مطابق جدول ۴ اکثریت خانواده‌های ایرانی قائل به عدم رضایت خود به هم مدرسه بودن فرزندان شان با فرزندان مهاجرین نیستند، در واقع معتقدند حضور فرزندان آن‌ها بر کیفیت رفتاری یا درسی تأثیر منفی نگذاشته است. شایان ذکر است، هر چه ماندگاری طولانی و به چند نسل برسد (چند

دهه)، تفاوت غیر قابل اغماضی مشاهده نمی‌شود، چون طبق نظریه همانندی، در طول زمان رفتارها به همگرایی و تطبیق می‌رسند.

**جدول ۵- حضور افغانستانی‌ها هیچ اثر منفی فرهنگی بر منطقه نداشته است.**

مقادیر / عناوین فراوانی	به درصد	درصد	تجمعی
(تعداد)			
کاملاً مخالف	۱۷	۱۴/۲	۱۴/۲
مخالف	۲۹	۲۴/۲	۳۸/۳
ممتنع	۲۰	۱۶/۷	۵۵/۰
موافق	۳۳	۲۷/۵	۸۲/۵
کاملاً موافق	۲۱	۱۷/۵	۱۰۰/۰
تعداد کل آرا	۱۲۰	۱۰۰/۰	

مطابق جدول ۵ جمع قابل توجه و نزدیک به اکثریت (۲۷,۵٪ + ۱۷,۵٪) و توجه به آرای ممتنع، ایرانی‌ها به این قائل هستند که اهالی افغانستان تأثیر منفی فرهنگی در محل و منطقه زندگی نداشته‌اند.

**جدول ۶- افغانستانی در ادارات رشوه پرداخت می‌کنند و محیط اداری را آلوده می‌کنند**

مقادیر / عناوین فراوانی	به درصد	درصد	تجمعی
(تعداد)			
کاملاً مخالف	۱۵	۱۲/۵	۱۲/۵
مخالف	۲۰	۱۶/۷	۲۹/۲
ممتنع	۲۵	۲۰/۸	۵۰/۰
موافق	۲۸	۲۳/۳	۷۳/۳
کاملاً موافق	۳۲	۲۶/۷	۱۰۰/۰
تعداد کل آرا	۱۲۰	۱۰۰/۰	

مطابق جدول ۶ اکثریت جامعه میزبان، نزدیک به ۷۰٪ با احتساب رای ممتنع، معتقد نیستند که جامعه کارگری یا خانوار مهاجر برای امور اداری یا کاری از روش‌های غیر مجاز استفاده می‌کند.

جدول ۷- دولت و ملت میزبان خوبی برای افغانستانی‌ها باشند و مانند شهروند برخورد کنند.

مقادیر / عناوین	فراوانی (تعداد)	به درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالف	۴	۳/۳	۳/۳
مخالف	۴	۳/۳	۶/۷
ممتنع	۱۸	۱۵/۰	۲۱/۷
موافق	۵۲	۴۳/۳	۶۵/۰
کاملاً موافق	۴۲	۳۵/۰	۱۰۰/۰
تعداد کل آرا	۱۲۰	۱۰۰/۰	

مطابق جدول ۷ اکثریت قاطع جامعه میزبان نسبت به رسیدگی حاکمیت به امور جامعه مهمان نظر مثبت دارد. این نظر، حتی می‌تواند عدم نقش منفی فرهنگی جامعه مهمان را نیز تأیید کند.

جدول ۸- روش زندگی افغانستانی‌ها شبیه ایرانی‌ها است و مشکلی با آن‌ها نداریم.

مقادیر / عناوین	فراوانی (تعداد)	به درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالف	۶	۵/۰	۵/۰
مخالف	۵	۴/۲	۹/۲
ممتنع	۱۶	۱۳/۳	۲۲/۵
موافق	۶۰	۵۰/۰	۷۲/۵
کاملاً موافق	۳۳	۲۷/۵	۱۰۰/۰
تعداد کل آرا	۱۲۰	۱۰۰/۰	

مطابق جدول ۸ جمعیت قاطع ایرانی‌ها تأیید کرده‌اند که اختلاف رفتاری چندانی و غیر قابل جمعی با جامعه افغانستانی در ایران ندارند و استعداد همگرایی وجود دارد.

جدول ۹- حضور افغانستانی‌ها هزینه مادی و معنوی شهروندان ایرانی را بیشتر نکرده

است.

مقادیر / عناوین	فراوانی (تعداد)	به درصد	درصد تجمعی
کاملاً مخالف	۲	۱/۷	۱/۷
مخالف	۷	۵/۸	۷/۵
ممتنع	۱۹	۱۵/۸	۲۳/۳
موافق	۴۴	۳۶/۷	۶۰/۰
کاملاً موافق	۴۸	۴۰/۰	۱۰۰/۰
تعداد کل آرا	۱۲۰	۱۰۰/۰	

مطابق جدول ۹ اکثریت قاطع ایرانی‌ها معتقدند که حضور جامعه مهمان هزینه مادی و معنوی برای آن‌ها را سبب نشده است. یعنی به عنوان مثال، نه آسیب اقتصادی و نه فرهنگی زده است. پاسخ به چندین سوال مرتبط، همسرخ هستند و در تعارض نمی‌باشند. این سنخیت گویای راست‌گرائی در پاسخ‌ها است.

### آزمون مطلوب بودن برازش پرسشنامه جامعه مهمان

شاخص‌های مناسب بودن برازش که در این بخش بررسی می‌شوند، عبارتند از: شاخص‌های GFI و AGFI. شاخص RMSEA، آماره خی‌دو، شاخص NFI و CFI. مقدار این شاخص‌ها به صورت جدول (۱۰) می‌باشد.

جدول ۱۰- شاخص‌های خوبی برازش

شاخص	مقدار
GFI	۰/۹۸
AGFI	۰/۹۶
RMSEA	۰/۰۶
آماره خی‌دو	۴۹۴/۳۱
NFI	۰/۹۴
CFI	۰/۹۲

همان‌طور که ملاحظه می‌شود، مقادیر شاخص‌های GFI و AGFI و NFI و CFI بالاتر از مقدار سطح معیار یعنی ۰/۹ به دست آمده است. بنابراین این شاخص‌ها برازش قابل قبول مدل را نشان می‌دهد. مقادیر RMSEA برابر ۰/۰۶ است که حاکی از برازش قابل قبول مدل می‌باشد. مقدار خی‌دو نیز برابر ۴۹۴/۳۱ است که در سطح کوچکتر از  $p < ۰,۰۱$  معنادار می‌باشد. این آماره حاکی از این است که ماتریس واریانس-کوواریانس مشاهده شده و برآورد شده متفاوت هستند. این آماره متأثر از حجم نمونه می‌باشد، البته اغلب از تفسیر مستقیم این آماره خودداری می‌شود. نسبت این آماره بر درجه آزادی کوچک‌تر از ۳ است و برازش خوب مدل را نشان می‌دهد. در مجموع تمامی شش شاخص ذکر شده مطلوب بودن مدل را تأیید کردند؛ بنابراین مدل ساختاری پژوهش به لحاظ شاخص‌های برازش مناسب هستند و تمامی عامل‌های مطرح شده می‌توانند در مدل ساختاری پژوهش مجتمع شوند و از آن‌ها برای تحلیل رفتار ساختارمند استفاده کرد و بر مبنای آن سیاستگذاری کرد (جدول ۱۱).

## جدول ۱۱- معناداری بارهای عاملی

سوال	بار عاملی	سطح معنی داری	آماره t
جدول ۱۲	۰/۳۵	۰/۰۰۱	۲/۶۵۳
جدول ۱۳	۱/۵۱	۰/۰۰۱	۳/۰۳۲
جدول ۱۴	۱/۰۱	۰/۰۰	۳/۲۵۶
جدول ۱۵	۱/۰۴	۰/۰۰	۳/۱۳۸
جدول ۱۶	۲/۶۶	۰/۰۰	۳/۹۶۸

همانطور که در جدول ملاحظه می‌شود، سطح معناداری در همه سؤالات کمتر از ۰/۰۵ است و بنابراین همه بارهای عاملی در سطح احتمال ۵ درصد (سطح اطمینان ۹۵ درصد) به لحاظ آماری معنادار می‌باشند.

شایان ذکر است که همه سؤالات پرسشنامه از اتباع به روش عاملی تحلیل شده‌اند، ولی در اینجا بعضی از سؤالات به صورت برگزیده نیز تشریح می‌شوند. در ذیل جدول بار عاملی پیشین، نوع استفاده از بار عاملی را توضیح دادیم. اینجا از تکرار آن صرف نظر می‌شود.

## پرسشنامه جامعه اتباع

پرسشنامه‌های مربوط به جامعه میزبان در جدول‌های زیر (جدول‌های ۱۲ تا ۱۵) نمایش داده شده است:

## جدول ۱۲- ما مزاحم اشتغال ایرانی‌ها در ایران نیستیم.

دیدگاه	درصد
کاملاً مخالفم	۱۲
مخالف	۱۱
نظری ندارم	۱۹
موافق	۲۲/۵
کاملاً موافق	۱۰

مطابق جدول ۱۲ حدود ۳۲/۵ درصد افراد موافق این نظر بودند و ۲۲ درصد مخالف این نظریه هست، با توجه به رأی ممتنع (مجموعاً ۵۱٪) یعنی اکثراً معتقدند که مزاحم اشتغال جامعه میزبان نیستند، با دیدگاه اکثر نظر جامعه ایرانی نیز انطباق دارد. با رأی قبل سازگار است و گویای راست‌نمایی است.

جدول ۱۳- حضور افغانستانی‌ها باعث نارضایتی و اختلاف در این منطقه شده است.

دیدگاه	درصد
کاملاً مخالفم	۱۰
مخالف	۲۶/۴
نظری ندارم	۲۳/۶
موافق	۱۶/۴
کاملاً موافق	۹/۳

مطابق جدول ۱۳ اکثراً مخالف این نظر هستند و معتقدند که حضور آن‌ها سبب تعارض اجتماعی در محل زندگی یا کار نشده است. با دیدگاه ایرانی‌ها در این خصوص نیز منطبق است.

جدول ۱۴- زندگی در ایران برای ما از نظر اجتماعی مناسب است.

دیدگاه	درصد
کاملاً مخالفم	۲۰
مخالف	۱۴
نظری ندارم	۱۹
موافق	۱۹
کاملاً موافق	۱۴

مطابق جدول ۱۴ به نظر می‌رسد، فشار ناشی از تورم، ددرسهای امور اداری اقامت، عدم تعلق امکانات بیمه درمان و نظایر این‌ها سبب شده است که رأی تقریباً نزدیک به ۵۰٪ موافق و مخالف در این زمینه ارائه شود.

جدول ۱۵- زندگی در ایران سبب نارضایتی و غیر عادی برای ما نشده است و مثل

ایرانی‌ها زندگی می‌کنیم

دیدگاه	درصد
کاملاً مخالفم	۳۰
مخالف	۲۸
نظری ندارم	۱۳
موافق	۱۵
کاملاً موافق	۱۴

مطابق جدول ۱۵ حدود ۵۸ درصد مخالف این نظریه می‌باشند. به دلیل تفاوت زندگی در عدم وجود بیمه تأمین اجتماعی، در امور بانکی و سرمایه‌گذاری در کشاورزی و ...، در ادامه تحصیلات تکمیلی و سایر امور اداری ... ، این نظر با نظر سؤال قبل نیز نزدیک است و انطباق نسبی دارد.

## جدول ۱۶- تمایل دارم تا بشود در ایران بمانم و اینجا زندگی کنم.

دیدگاه	درصد
کاملاً مخالفم	۳۲
مخالف	۲۷
نظری ندارم	۱۰
موافق	۹
کاملاً موافق	۸

مطابق جدول ۱۶ حدود ۶۰ درصد افراد مخالف این نظریه هستند، با رأی ممتنع به ۷٪ می‌رسد. صرف نظر از اوضاع سخت اقتصادی در ایران، همچنین اوضاع نامطلوب افغانستان (به خصوص از جهت امنیت و اشتغال)؛ پاسخ دهنده فرض می‌کند، اگر هر دو جامعه شرایط مطلوب بیابند، کجا زندگی خواهد کرد؟ اکثراً وطن را انتخاب کرده‌اند. ولی با فرض غالب که در مقایسه با افغانستان، مشکلات در ایران موقت و حل می‌شود، اما در وطن بلند مدت است، نظر آن‌ها بر اقامت بلندمدت و تمایل به ماندن است.

## با استفاده از روش آمار توصیفی

در روش آمار توصیفی<sup>۱۲</sup> داده‌های جمع‌آوری شده از طریق تنظیم جداول توزیع فراوانی، خلاصه شده و به کمک نمودار نمایش داده می‌شوند و در نهایت با کمک سایر شاخص‌های آمار توصیفی توضیح داده می‌شوند که از این طریق خصوصیات و ویژگی‌های مهم داده‌ها بیان می‌شوند

## وضعیت بزهکاری در پیشوا

وضعیت بزهکاری در شهر پیشوا در جدول ۱۷ نمایش داده شده است. در این جدول الف: سرقت، ب: درگیری و نزاع ج: تجاوز به عنف و مردم آزاری اخلاقی د: آدم ربایی است

## جدول ۱۷- وضعیت بزهکاری در شهر پیشوا در فاصله سال‌های ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ (مأخذ:

نیروی انتظامی شهرستان پیشوا)

نوع جرم	آمار کلی	دو طرف ایرانی	دو طرف افغانستانی	یک طرف افغانستانی
الف	۴۴۶	۳۳۱	-	۱۰۵
ب	۲۱۵	۱۷۹	۱۱	۲۵
ج	۵	۵	-	-
د				

۱۱۲	-	۵۱۰	۶۲۲	الف	۱۳۹۲
۳۷	۱۲	۱۸۸	۲۳۷	ب	
-	-	-	-	ج	
۱	-	۱	۲	د	
۱۲۳	-	۴۶۱	۵۸۴	الف	۱۳۹۳
۱۰۱	۳۲	۲۴۱	۳۷۴	ب	
-	-	۱	۱	ج	
-	-	-	۶	د	
۱۳۰	-	۶۹۰	۸۲۰	الف	۱۳۹۴
۱۱۶	۳۲	۳۳۶	۴۸۴	ب	
-	-	۱	۱	ج	
-	-	-	۱	د	
۱۴۵	-	۶۷۸	۸۲۳	الف	۱۳۹۵
۱۰۰	۲۸	۳۴۲	۴۷۰	ب	
-	۱	۱	۲	ج	
-	-	-	۱	د	
۱۲۳	-	۶۷۵	۷۸۹	الف	۱۳۹۶
۱۳۷	۳۵	۴۲۵	۵۸۷	ب	
-	-	۲	۲	ج	
-	-	-	۳	د	
۱۳۰	-	۸۸۸	۱۰۱۸	الف	۱۳۹۷
۱۱۶	۲۳	۲۳	۴۴۴	ب	
-	-	۳	۳	ج	
-	-	-	۳	د	

## وضعیت جرایم ناشی از مواد مخدر در پیشوا

وضعیت جرایم ناشی از مواد مخدر در پیشوا از سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷ در جدول ۱۸ نمایش داده شده است:

جدول ۱۸- آمار جرائم ناشی از مواد مخدر (مأخذ: نیروی انتظامی شهرستان پیشوا)

سال	آمار کل وقوع	دوطرف	یک طرف	درصد تبعه	درصد تبعه
		ایرانی	افغانی	ایرانی	افغانستانی
۱۳۹۱	۳۵	۳۴	۱	۹۷/۲	۲/۸
۱۳۹۲	۳۰۷	۳۰۵	۲	۹۹/۳۵	۰/۶۵
۱۳۹۳	۳۴۹	۳۴۵	۴	۹۸/۵	۱/۵
۱۳۹۴	۸۴۳	۸۳۹	۴	۹۵/۳	۴/۷
۱۳۹۵	۶۹۶	۶۷۰	۲۶	۹۶/۲۷	۳/۷۳
۱۳۹۶	۴۹۵	۴۶۲	۳۳	۹۳/۴	۶/۶
۱۳۹۷	۲۹۱	۲۷۴	۱۷	۹۴/۲	۵/۸

با توجه به جدول بالا، در سال ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۷، درصد تبعه افغانستانی که در جرائم مواد مخدر شرکت داشته‌اند کمتر از ۷ درصد بوده است که نسبت به جمعیت افراد ساکن در پیشوا طبیعی است و مورد قابل ملاحظه‌ای نیست. همانطور که آمار نشان می‌دهد، آمار بزهکاری در جامعه مهمان در مقایسه با بزهکاری جامعه میزبان بسیار کمتر است. پس آمار سرقت، تجاوز به عنف، نزاع و حتی اعتیاد نیز در جمعیت آنها شرایط بسیار بهتری نسبت به جامعه میزبان دارد.

ضمناً طبق آمار دریافتی از نیروی انتظامی منطقه مورد مطالعه، تعداد شهدای مدافع حرم از شهرستان ۳۲ نفر می‌باشد که همه اتباع افغانستان می‌باشند، این پدیده گویای شدت تعهد و عشق به آئین مذهبی و روحیه ایثارگری آنها است و می‌تواند معیاری برای وجود حسن رفتار قابل توجه دیگر باشد و به دیگر اوصاف حسنه آنها تعمیم داده شود.

## بحث و نتیجه‌گیری

ذهنیت بعضی در بررسی آثار مهاجرین به سمت آفت‌ها و رشد بزهکاری می‌رود. شاید از این رو باشد که تلقی می‌شود، اغلب مهاجرین در تنگناهای مختلف هستند، ضعف اقتصادی و نارسائی‌های دیگر می‌تواند آن‌ها را به سمت امور خلاف قانون بکشاند. در هر صورت جامعه مهاجر نیز مانند سایر جوامع دارای انواع مختلف انسان است. طبق آماری که در سال ۱۳۹۶ منتشر شده است، ۵۳۹۹ زندانی از اتباع کشورهای خارجه در زندان‌های ایران به سر می‌برند (معاون اداره کل اتباع وزارت کشور، ۱۳۹۶). گزارشی که در سال ۱۳۹۲ به نشر رسیده ۸۸ درصد مجرمان خارجی را اتباع افغانستانی عنوان کرده‌است (وب سایت تسنیم، ۱۳۹۲)، این درحالی است که آنان ۹۶ درصد اتباع بیگانه را تشکیل می‌دهند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵). البته بیشتر جرایم توسط مهاجرین غیرقانونی

بوده است. بیشترین جرم نیز در حمل مواد مخدر و پس از آن در حوزه نزاع و درگیری صورت گرفته است (معاون اداره کل اتباع وزارت کشور، ۱۳۹۶).

جمعیت کل زندانیان کیفری ایران بیش از ۲۴۰ هزار نفر است، حدود ۴۰٪ آن ناشی از جرائم مواد مخدر است و ۲۰٪ این جمعیت ناشی از سرقت است. سومین گروه ۱۰٪ است که عمدتاً از توهین و نزاع شکل گرفته است (رئیس سازمان زندان ها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور، ۱۳۹۷). اگر جمعیت ایران را در سال ۹۶-۹۷ حدود ۸۰ میلیون نفر در نظر بگیریم، چنانچه جمعیت خارج‌نشین را کسر کنیم، بین ۷ تا ۸ میلیون نفر تخمین زده می‌شود که در خارج از کشور زندگی می‌کنند (خبرگزاری بهار، ۱۳۹۸).

اینک چنانچه کل زندانیان افغانستانی را طبق آمار رسمی ذکر شده حداکثر ۴۵۰۰ نفر در نظر بگیریم، نسبت به جمعیت سه میلیون نفر آن‌ها در ایران، کمتر از ۱۵٪ را شامل می‌شود. در حالی که همین نسبت برای جمعیت ایرانی بیش از ۳۰٪ است. پس مهاجرین نسبت به جامعه میزبان وضعیت بهتری دارند و پنجاه درصد کمتر بزهکار هستند. البته این نکته را باید در نظر داشت که جمعیت قابل توجه‌ای از جامعه مهاجر که تحصیلات تخصصی دارند (فرضاً تحصیلات تکمیلی ارشد و دکتری تخصصی دارند)، امکان جذب متناسب ندارند. مشاغل ساده و کارگری برای مهاجرین تعریف شده است، لذا این گروه اقدام به مهاجرت دوم می‌کنند، به موطن باز می‌گردند یا مثلاً به اروپا می‌روند. این موضوع سبب می‌شود که حتی شاخص اندازه بزه به جمعیت را به زبان مهاجرین رقم زند، چرا که خبرگان و فرهیختگان اگر چه در جامعه میزبان (ایران) پرورش یافته‌اند، چون برای بکارگیری آن‌ها فاقد طرح هستیم، خود را از خدمات آن‌ها محروم می‌کنیم و از مجموعه خارج می‌شوند.

حضور اتباع بیگانه در یک کشور می‌تواند یک فرصت و یک امکان باشد. در وضع فعلی اتباع خارجی نباید از دید یک تهدید و یک محدودیت دیده شوند. ایران سرمایه‌گذاری بسیار گسترده در زمینه اتباع خارجی انجام داده و همه ساله مخارج زیادی را متحمل می‌شود. اما در بسیاری موارد نتوانسته است از این سرمایه‌گذاری‌ها و مخارج استفاده بهینه به عمل آورد. نیروهای متخصص، هنرمندان و نخبگان زیادی از کشورهای مهاجرفرست (افغانستان، پاکستان و عراق) جذب کشورهای مختلف اروپایی، آمریکای شمالی و استرالیا شده و می‌شوند. باید قوانین و افکار عمومی ما در جهت جذب این نیروها هدایت شود.

مهاجرت از یک سو، ضمن آن که می‌تواند موجب رشد و شکوفایی کشورهای مبدا و مقصد شده و نوع تبادل فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی مثبت را به وجود می‌آورد از سوی دیگر، به طور عکس می‌تواند سبب رشد جمعیت، افزایش بیکاری، بروز ناامنی و به طور کلی موجب ایجاد مشکلاتی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شود. با توجه به مدیریت اجتماعی و شرایط قهری، دو جنبه آثار مثبت و منفی می‌تواند در پی داشته باشد.

نظام‌های اجتماعی طرفین (مهاجر و بومی) که این پدیده (آثار) را به درستی شناسایی و با برنامه‌ریزی‌های منطقی و علمی به صورت از پیش تعیین شده با آن مواجه می‌شوند، به عنوان یک فرصت از آن استفاده می‌کنند؛ اما نظام‌هایی که با این پدیده به طور انفعالی و بدون برنامه‌ریزی

درست برخورد می‌کنند، به حیث یک چالش مهم مطرح می‌شوند. بنابراین جابجایی‌های انسانی دارای آثار مثبت و منفی می‌باشد. برای مدیریت بهتر و بررسی پیامدهای آن (فرصت‌ها و چالش‌ها) نیاز به انجام برنامه‌های تحقیقی، سمینارها و کنفرانس‌های علمی بوده و استفاده از تجربیات و آگاهی آنان نیز یکی از نیازهای مهم در این راستا است.

در این تحقیق با توجه به آرای اخذ شده، می‌توان گفت که حضور کارگران افغانی چندان منجر به بالا رفتن نرخ بیکاری برای ایرانیان نشده‌اند و حضور آنان در رونق اقتصادی ایران تأثیر منفی نداشته است. کارگران افغانی بهتر می‌توانند کارهای سخت را انجام دهند و به دلیل دستمزد پائینی که دارند منجر به کاهش هزینه تولید و در نتیجه اثر مثبت بر رشد تولید (به سهم خود) شده‌اند. همچنین حضور دانش‌آموزان افغانستانی منجر به نارضایتی والدین ایرانی یا فرزندان آن‌ها نشده است و در مجموع حضور جامعه مهمان سبب اثر فرهنگی نامطلوب در منطقه نشده است. از منظر رشد فساد اداری، افغانستانی‌ها فساد اداری قابل محسوسی را ایجاد نکرده‌اند. اگر چه حضور افغانستانی‌ها به دلیل بحران‌های موجود افغانستان است، اما به نظر می‌رسد که حضور آن‌ها در ایران برای جمعیت قابل توجه‌ای بلند مدت و جنبه دائمی یافته است و سیاستمداران با این نگاه باید سیاستگذاری کنند. در ادامه آمارهای اخذ شده از نهادهای ذیربط نیز نشان می‌دهند که بزهکاری در جامعه افغانستانی‌ها در مقایسه با جامعه میزبان (هر یک نسبت به جمعیت خود به درصد) اندک و بسیار کمتر است.

افغانستانی‌ها از حضور در ایران به دلیل شباهت فرهنگ رضایت دارند و شرایط را عادی احساس می‌کنند. افغانستانی‌ها، علی‌رغم گلایه‌های مختلف، زندگی در ایران را به لحاظ فرهنگی، اجتماعی، اداری و اقتصادی در مجموع مناسب می‌دانند و دغدغه‌ای برای فرزندان خود در ایران ندارند؛ اما در صورت رفع مسائل وطن، علاقه به بازگشت به کشور خود دارند. در نهایت، اشتغال خود را برای ایرانی‌ها با مخاطره نمی‌دانند، آن‌ها بیشترین دلیل تفاوت اشتغال خود را ترجیح کارفرمایان ایرانی می‌دانند.

همانطور که آمار نشان می‌دهد، آمار بزهکاری در جامعه مهمان در مقایسه با بزهکاری جامعه میزبان بسیار کمتر است. پائین بودن آمار بزهکاری صرفاً از این جهت نیست که چون از یکسو اقلیت هستند و از سوی دیگر هزینه بزهکاری برای آن‌ها سنگین‌تر است؛ بلکه نشان می‌دهد که وضعیت اعتقادی سالم و مطلوبی در میان اکثر آن‌ها نیز جاری می‌باشد.

مطابق نتایج آماری این تحقیق، غالب مهاجرین افغانستانی در ایران قشر زحمت‌کش، معتمد و مثرثمر در جامعه میزبان بوده‌اند. حضور آن‌ها آمار بزهکاری را بیش از سطح مورد انتظار بالا نبرده است و شاخص آن از جامعه ایرانی کمتر است، اما ذهنیت اغلب مردم خلاف آن را بازگو می‌کند. حضور مهاجران پیامدهای متعددی در عرصه‌های مختلف دارد که نیازمند توجه بیشتر به آن‌ها در سطوح ملی، استانی، منطقه‌ای و محلی است. نگاه علمی به موضوع و انتخاب کاربست‌های اجرائی مناسب برای استفاده از فرصت‌ها و مهارت‌های ضروری است. اکثر مطالعاتی که نگاه منفی به نقش مهاجرین داشته‌اند بیشتر به بازدارندگی تأکید داشته‌اند و غالباً سراغ یافتن تهدیدها رفته‌اند؛

در حالی که مردم افغانستان از نظر مذهب و فرهنگ بسیار به ایران نزدیک و اشتراکات زیادی با جامعه میزبان دارند. در تاریخ نه چندان دور یکپارچه بوده‌ایم و دشمن آن‌ها را از ما جدا کرده است. شباهت‌ها و نزدیکی فرهنگی و زبانی باعث شده تا این جمعیت دارای فرصت‌ها و تمهیدات خوبی در جامعه ایرانی در کنار تهدیدات داشته باشند، اغلب تهدیدها نیز ناشی از عدم اشراف ما به آن‌ها و عدم نظارت و نقص در ارائه خدمات حاکمیتی است. با اجرای برنامه‌ریزی‌های راهبردی می‌توان تهدیدهای ناشی از حضور آن‌ها را در کشور کاهش داد و حضور آن‌ها را به فرصت و تمهید تبدیل کرد. بسیاری از تهدیدها، در مقایسه با وضعیت جامعه میزبان قابل توجه نمی‌باشد. یعنی بزهکاری در سطح جمعیت آن‌ها در مقایسه با جامعه ایرانی قابل اغماض است.

مطابق این تحقیق، مبانی نظری مورد انطباق و قابل قبول برای حضور مهاجران افغانستانی در ایران نظریه‌ای است که معتقد است حضور مهاجران در کشور مقصد موجب تغییرات اجتماعی و اقتصادی می‌شود و معتقد است که در کشور مقصد، مهاجر در نظام ارزشی مسلط تحلیل می‌رود و از طریق تعاملات فراوان با اجزای جامعه مقصد، سازگاری می‌یابد و مشکل‌ساز نخواهد بود. در واقع اگر انطباق‌پذیری صورت بگیرد یعنی جمعیت مهاجر بتواند خود را از نظر رفتاری با جامعه میزبان هماهنگ کند و اشتغال متناسب با نیاز بازار کار مقصد در خود ایجاد کند و به همین ترتیب، جامعه میزبان نیز بتواند درک درستی از شرایط مهاجرین داشته باشد، انتظارات خود را با شرایط آن‌ها تطبیق دهد، از طریق آموزش فنی و حرفه‌ای و سایر ابزارهای پرورشی، جامعه مهمان را با نیازهای خود وفق دهد، و در تعاملات از خود انعطاف نشان دهد نوعی تغییر مثبت در جامعه ایجاد خواهد شد.

در انتها چند کار بست اجرایی پیشنهاد می‌شود:

خبرگان سیاسی، نظامی و اجتماعی اتباع جهت ساماندهی (از نظر حسن سابقه یا سوء سابقه دسته‌بندی شوند) و بهره‌برداری بهتر در نیروی انتظامی و نظامی به مشاوره گرفته شوند.

در حوزه بهداشت و درمان، بخصوص تغذیه، غربال‌گری و مشاوره ارائه شود. صرف‌نظر از ضرورت رعایت حقوق انسانی در این خصوص، کم توجهی به ارائه خدمات بهداشتی و بیمه‌ای به اتباع افغانستانی، موجب اشاعه و انتقال بیماری‌های واگیردار می‌شود و به جامعه آسیب می‌رساند.

اختصاص ظرفیت‌هایی از آموزشگاه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها به آن‌ها برای رشد و شکوفائی استعدادها و فکری آن‌ها به منظور ایفای نقش سازنده در جامعه اعم از مبداء و مقصد. توجه به این مهم می‌تواند بسیاری از گرفتاری‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی را نه تنها مهار کند، بکه به وضعیت مطلوبی جهت دهد. به همین منظور پیشنهاد می‌شود که به آموزش کودکان، محصلین و دانشجویان اتباع مهاجر افغانستانی در دانشگاه‌های توجه خاص شود. به ویژه کمک به افسار آسب‌پذیر آن‌ها در تأمین یا کمک هزینه تحصیلی مورد توجه قرار گیرد.

به نقش شبکه‌های اجتماعی (وبلاگ، سایت‌ها، شبکه‌ها و ...) برای مهاجران افغانستانی و تأثیر آن بر تثبیت امنیت ملی توجه شود و از طریق شبکه پیام‌رسان اطلاعات سازنده انعکاس یابد.

دستگاه‌هایی نظیر سازمان تبلیغات اسلامی، اداره ارشاد اسلامی می‌توانند برنامه‌های مفید برای این‌ها داشته باشند.

به منظور ایجاد ذهنیت مثبت و برقراری حسن ارتباطات و تعاملات سازنده دو جامعه مهمان و میزبان لازم است، حجم جرائمی نظیر نزاع و درگیری، قتل، تجاوز به عنف، سرقت و ... یا انواع تخلفات و عدول از قوانین به درصد جمعیت احصاء و اطلاعات صحیح به مردم منعکس شود تا شاهد تغییر نگرش جامعه میزبان به مهمان از منفی به مثبت بر اساس واقعیت باشیم. البته خوشبختانه رویکرد منفی غالب نیست، اما بیم آن می‌رود که رشد کند و این نوع تصور سبب تعارضات نامطلوب شود. افزایش اعتماد مردم ایران به اتباع افغانستانی (سپردن کارگاه‌های تولیدی به اتباع افغانستانی، سپردن نگهداری شرکت‌ها و کارخانه‌ها، حراست از ویلاها به این قشر و ...) گویای غلبه نگاه مثبت بر منفی است. اگر اوضاع اقتصادی میزبان بهبود یابد و نگاه مهاجرین به اذهان جامعه میزبان به خود را رضایت‌بخش تلقی کنند، در تغییر وضعیت و بر تثبیت مهاجرین و رشد آن‌ها اثر بخش خواهد بود. لذا در شرایط رکودی، پیشنهاد می‌شود که دانشگاه‌های منطقه، موسسات آموزشی، بخصوص سازمان فنی و حرفه‌ای، کارگران افغانستانی را در جهت تأمین خلاء بازار کار با برگزاری دوره‌های کوتاه مدت فنی پرورش دهد و از اصطکاک و نزاع در اشتغال با بومیان بکاهد.

پیشنهاد می‌شود میزان خمس و زکاتی که اتباع مسلمان افغانستانی در اختیار علما و مجتهدین قرار می‌دهند به نحوی در جهت خدمت‌رسانی و رفع نیازهای این قشر مسلمان و زحمت‌کش اختصاص یابد تا شاید بخشی از نیازهای اقتصادی آنان برطرف شود.

متأسفانه بیمه تأمین اجتماعی و حتی سایر بیمه‌ها برای بسیاری از جامعه مهاجر بر قرار نیست، در حالی که آن‌ها حاضر به خرید خدمات بیمه‌ای هستند. پیشنهاد می‌شود که انواع بیمه طبق ضوابط بازار برای آن‌ها برقرار شود. حتی در صورت بازگشت به وطن، چنان چه ممکن باشد، با بیمه‌گر جامعه مقصد، به ارزش روز حق بیمه‌ها تهاتر شود.

## منابع

## منابع فارسی

- اخلاص پور، محمد حسین (۱۳۹۵). آسیب شناسی حضور اتباع بیگانه در استان کرمان و تأثیرات آن بر امنیت. فصلنامه علمی - تخصصی دانش انتظامی. ۷(۱۵)، صص ۱۳۵-۱۵۶.
- اعظم آزاده، منصوره و مظفری، خدیجه (۱۳۹۶). طرد اجتماعی زنان ایرانی ازدواج کرده با اتباع خارجی (عراقی-افغانی) و عوامل مؤثر بر آن. فصلنامه بررسی مسائل اجتماعی ایران. ۸(۲)، صص ۷۴-۵۳.
- بدآغی، فاطمه (۱۳۸۳). ازدواج و تابعیت زن ایران. نشریه کتاب زنان. ۶(۲۴)، صص ۱۲-۲۹.
- توسلی نائینی، منوچهر (۱۳۸۴). تبعات ورود و اقامت غیرمجاز اتباع بیگانه. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق دانشگاه شهرکرد.
- شاطریان، محسن، و گنجی پور، محمود (۱۳۸۹). بررسی تاثیر مهاجرت افغانها بر شرایط اقتصادی و اجتماعی شهر کاشان. فصلنامه پژوهش و برنامه ریزی شهری. ۱(۳)، صص ۳۴-۴۶.
- جمالی، فیروز (۱۳۸۱). مهاجرت، شهرها و سازگاری مهاجران؛ نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. شماره ۱۲(۱۸۲). صص ۱۹-۲۸.
- جمشیدی‌ها، غلامرضا؛ عنبری، موسی (۱۳۸۳). تعلقات اجتماعی و اثرات آن بر بازگشت مهاجرین افغانی. نشریه نامه علوم اجتماعی. ۱۲(۲۳)، صص ۱۶-۳۱.
- جمشیدی غلامرضا، علی بابایی یحیی (۱۳۹۰). بررسی عوامل مؤثر بر بازگشت مهاجرین افغانی؛ نشریه نامه علوم اجتماعی. ۴۶(۵۵)، صص ۳-۲۲.
- جهانگیر، اصغر (رئیس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور). (۱۳۹۷) خبرگزاری عصر ایران؛ ۱۸ در ۱۳۹۷ کد خبر ۶۴۸۵۷۸.
- رحیمی، رضا (۱۳۷۷). جامعه‌پذیری فرهنگی. ماهنامه جامعه سالم. ۶(۳۹)، صص ۲۵-۴۶.
- زرقانی، هادی، قنبری، محمد و رضوی نژاد، مرتضی (۱۳۹۶). بررسی و تحلیل راهبردهای مدیریت مهاجران افغانستانی استان خراسان رضوی با استفاده از مدل SWOT. فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی. ۴۹(۲)، صص ۲۸۹-۳۰۵.
- زنجانی، حبیب‌الله؛ (۱۳۹۴)؛ مهاجرت؛ انتشارات سمت؛ جلد چهارم.
- سجادپور، فرزانه؛ جمالی یوسفی، ابراهیم (۱۳۹۵). زنان افغان مهاجر و چالش‌های بازگشت به وطن (مطالعه موردی: زنان مهاجر افغان ساکن شهر مشهد)؛ فصلنامه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران. ۶(۱۲)، صص ۵۸-۷۵.
- فرجاد، محمدحسین (۱۳۷۴). آسیب‌شناسی اجتماعی و جامعه‌شناسی انحرافات؛ انتشارات بدر جلد ششم.

- قاسمی، وحید (۱۳۸۹). مدلسازی معادله ساختاری در پژوهش‌های اجتماعی با کاربرد Amos Graphics. انتشارات جامعه شناسان؛ جلد اول.
- قلی‌زاده (معاون اداره کل اتباع وزارت کشور) (۱۳۹۶). کدخبر: ۷۰۵۷۷۴، [www.fardanews.com](http://www.fardanews.com).
- قره‌باغیان، مرتضی (۱۳۷۵)؛ تأثیر برخی از علل مهاجرت نیروی کار در ایران. انتشارات موسسه تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس. جلد اول.
- محمودیان، حسین (۱۳۸۶). مهاجرت افغانها به ایران. نامه انجمن جمعیت‌شناسی ایران. ۲(۴)، صص ۳۴-۵۲.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۵).
- مبوگنج، اکسین ال (۱۳۶۸)؛ رهیافت سیستمی در مورد یک نظریه مهاجرت روستا به شهر؛ گردآورنده: لهسایی زاده، عبدالعلی؛ نظریات مهاجرت؛ چ اول نوید، شیراز؛ صص ۱۷۵-۱۴۷
- وب سایت تسنیم (۱۳۹۲).
- وثوقی، فاطمه، محسنی، محمد رضا (۱۳۹۵). بررسی نگرش شهروندان مشهدی نسبت به مهاجرین خارجی مقیم مشهد؛ فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. ۳۱(۲)، صص ۴۱-۶۴.

## منابع انگلیسی

- Borjas, G. (۲۰۰۲), "The Labor Demand Curve Is Downward Sloping: Reexamining the Impact of Immigration on the Labor Market," *Quarterly Journal of Economics*; November); pp ۱۲۲۵-۱۲۷۴
- Borjas, G. (۲۰۰۶). *The Impact of Immigration and the Labor Market*. Harvard University.
- Berry, J. W. (۲۰۰۸), "Acculturation and Adaptation of Immigrant Youth", *Canadian Diversit*, Vol. ۶, No. ۲ pp. ۵۰- ۵۴.
- Berry, J.W. (۱۹۹۲). *Acculturation and Adaptation in a New Society*. Intentional Migration. p. ۷۱.
- Herbele, R. (۱۹۳۸); *the Causes of Rural-Urban Migration: A Study of German Theories* ; *American Journal of Sociology*; No. ۴۳.
- Goverwaney N.; Van-Arsdol M. D.; Heer D. M. and Schuerman L. A.; (۱۹۹۱); *Migration From Latin American Countries to the United States: The Economic, Social and Reproductive Lives of Hispanic Female Immigrants*, ۱۹۸۰, *International Migration*; ۲۹; pp-۵۷۳-۵۹۹.
- Iedyugu, A.; (۱۹۹۰); *Migration as a Transitional Category: Turkish Migrants in:Melbourne*, PhD Thesis, Department of Demography, Canberra: Australian National University.
- Nauck, B.; (۱۹۸۹); *Assimilation Process and Group Integration of Migrant Families*; *International Migration*; ۲۷ (۱); pp ۲۷-۴۸.
- Schuerkens, U. (۲۰۰۵), "Transnational Migration and Social Transformations: A Theoretical Perspective", *Current Sociology*, Vol. ۵۷, No. ۴, pp.۵۷۵-۵۵۷.

## Analysis of social consequences due to the presence of Afghanistanian citizens in Tehran province (Case study of Pishva city)

Morad Rahdari <sup>1</sup> Bita Rezaei Dolatabad <sup>2</sup>

### Abstract

**Background and Aim:** The presence of citizens of Muslim communities, due to cultural and religious similarities can have a good coexistence. The purpose of this study is to determine the opportunities and social threats arising from the presence of Afghanistanian citizens in the city of Pishva, Tehran, which has been done in order to improve the policy of executive bodies in the social field that can be generalized to in the country.

**Theoretical foundations:** According to the theory of absorption and repulsion of Herbal, the migration of Afghan nationals is due to repulsive factors in the homeland and origin on the one hand and absorbing factors in the destination on the other hand.

**Method:** library, field, questionnaire analysis, descriptive and inferential statistics methods have been used. The questions of the questionnaire were examined by the method of structural equations for both groups. AMOS software was used and then the CVR value was calculated.

**Findings:** The research findings show that a significant number and close to the majority of Iranians (۲۷,۵% + ۱۷,۵%) with respect to abstentions, believe that the people of Afghanistan have not had a negative social and cultural impact on the place and region of their lives. The overwhelming population of Iranians have acknowledged that there is little and no collective difference in behavior with Afghanistanian society in Iran and that there is a potential for convergence. Delinquency rates in the host community are much lower than in the host community.

**Conclusion:** This study shows that most of the Afghanistanian immigrants in Iran have been hardworking, trustworthy and productive in the host society. This study has shown that the presence of Afghanistanian nationals has not increased the crime rate more than expected and is lower than the Iranian community, but the mentality of most people says otherwise.

**Keywords:** Afghanistanian nationals, immigration, social consequences, delinquency, Norms, Tehran Province, leader.

